



نسلی که از گذشته می آموزد

اعتراضات دانشجویی در آمریکا حاصل بلوغ فکری و یادگیری نسل جوان آمریکا از اعتراضات گذشته است

و یادآور خشونت‌های چهار سال پیش علیه معترضان به قتل فلویید است، سرکوب تنها جنبشی را که متعهد شده است حمایت آمریکا از اسرائیل را به چالش بکشد، مستحکم‌تر می‌کند. از بسیاری جهات، مسیری که این نسل از معترضان جوان طی کرده‌اند و به اینجا رسیده‌اند شبیه مسیری است که پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌هایشان پیموده بودند؛ کسانی که در دهه ۱۹۶۰ راهپیمایی‌هایی را برای استیفای حقوق مدنی آغاز کردند و سراسر آن دهه را در مخالفت با جنگ ویتنام به پایان رساندند. ویلی ریکس از اعضای کمیته هماهنگی اعتراضات بدون خشونت دانشجویی در سال ۲۰۲۱ به من گفته بود: «آگاهی ما بیشتر شده و حالا ما به جای اعتراض به یک کلاتر در آلاباما به نظام جهانی معترض هستیم. هر جایی که مردم علیه امپریالیسم دست به اعتراض زده‌اند، ما با آنها بوده‌ایم.» یکی از آن مبارزات ضد امپریالیستی جنبش آزادی‌بخش فلسطین بود که این کمیته از تابستان سال ۱۹۶۷ از آن حمایت کرده است. در آوریل سال ۱۹۶۸، رهبران این کمیته، نظیر اچ. رپ. براون و استوکلی کارمایکل، در سالن همیلتون در دانشگاه کلمبیا، حاضر شدند. در این سالن، دانشجویان برای

درست همانطور که جنبش «زندگی سیاه‌پوستان مهم است»، خواستار یک بازبینی فرهنگی گسترده در خصوص نژادپرستی بود. فعالان طرفدار فلسطین در دانشکده‌ها رهبری یک تغییر سریع در افکار عمومی ایالات متحده در خصوص اسرائیل و فلسطین را در دست گرفته‌اند. به لطف تلاش‌های آنها، تا حد زیادی اینطور به نظر می‌رسد که اسرائیل در نبرد برای تصاحب افکار عمومی در ایالات متحده، به‌ویژه در میان نسل جوان، شکست خورده است. تلاش‌ها برای نشان دادن مقاومت فلسطین به‌عنوان «فتراهای داعشی و القاعده‌وار»، آنطور که اسحاق هرترتوگ، رئیس اسرائیل در نوامبر گذشته در نیویورک تایمز بیان کرد، نتوانست اکثریت آمریکایی‌ها را متقاعد کند. در حال حاضر حدود دوسوم از رای‌دهندگان از خواست ایالات متحده برای آتش‌بس دائمی و کاهش خشونت اسرائیل در غزه حمایت می‌کنند. این جنبش اعتراضی اخیراً در موجی از تحصن‌ها و چادرزنی‌ها در دهه‌ها دانشگاه در سراسر کشور تجلی یافته است. در حالی که مقامات دانشگاه‌ها سعی کرده‌اند این اعتراضات را سرکوب کنند، که در برخی موارد منجر به بروز خشونت پلیسی شده است

پرونده ویژه

آرمین منتظری

دبیر گروه بین‌الملل



در تابستان سال ۲۰۲۰، ۲ میلیون‌ها نوجوان که از قتل جورج فلویید سیاه‌پوست توسط یک نیروی پلیس، خشمگین شده بودند، به‌عنوان بخشی از بزرگترین تظاهرات علیه خشونت پلیس در تاریخ ایالات متحده، به خیابان‌های شهرهای آمریکا ریختند. اگرچه نزدیک به چهار سال از آن زمان گذشته است، اما این انرژی و این خشم به‌طور کامل از بین نرفته است. بسیاری از جوانانی که در سال ۲۰۲۰ تظاهرات کردند، اکنون دانشجویانی هستند که از ایالات متحده می‌خواهند حمایت خود را از جنگ اسرائیل در غزه پس بگیرد. آنها لبه تیز یک جنبش طرفدار فلسطین را شکل داده‌اند و بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در حدود ۶ هزار تظاهرات اعتراض آمیز را در ایالات متحده از زمان هفتم اکتبر برگزار کرده‌اند؛



عکس: Gettyimages

اعتراض دانشجویی جرم نیست

آمارها، کمی بیشتر از ۵۰ دانشگاه را درگیر کرده است و در هر کدام از این دانشگاه‌ها صدها دانشجو دست به اعتراض زده‌اند. تنها در تعداد انگشت‌شماری از دانشگاه‌ها، اشغال فضای دانشگاه توسط معترضین صورت گرفته است و آن هم نافرمانی مدنی به صورت کنترل شده است و خبری از آتش‌سوزی و بمب‌گذاری وجود ندارد و دانشجویان تنها دست به اعتصاب زده‌اند.

با این حال، پلیس برای سرکوب کمپ‌های چادر دانشجویان معترض در محوطه دانشگاه‌هایی نظیر USC، دانشگاه نیویورک، دانشگاه ویرجینیا، دانشگاه تگزاس و دانشگاه کلمبیا، وارد عمل شده است و بیش از ۲ هزار و ۶۰۰ دانشجوی را در سراسر کشور بازداشت کرده است. در حالی که در دهه ۱۹۶۰ معمولاً تسخیر ساختمان‌های دانشگاه‌ها، آسیب‌های مالی عمده یا اعمال خشونت دلالی بود که فراخوان نیروی پلیس ضدشورش را توجیه می‌کرد اما در سال ۲۰۲۴، دانشجویان به دلایلی نظیر اشغال فضای بیرون دانشگاه‌ها از جمله چمن‌ها و حیاط دانشگاه، دستگیر شده‌اند. این تضاد در برخورد با اعتراضات موجب می‌شود که نتوان به این نتیجه رسید که دولت ایالات متحده و برخی از تاثیرگذارترین رؤسای دانشگاه‌های این کشور، به حقوق دانشجویان در آزادی بیان احترام می‌گذارند. شاید بتوان گفت که امروز به مراتب کمتر از دوران جنگ ویتنام به

در ماه مه ۱۹۷۰ بودند، به چشم خود دیده‌اند و باید خدا را شکر کنند که اعتراضات امروز در دانشگاه‌های آمریکا کاملاً بدون خشونت است. در اوایل ماه مه سال ۱۹۷۰، ۳۰ ساختمان دفتر آموزش سربازان ذخیره از سوی دانشجویان معترض به آتش کشیده شد. تا پایان همان ماه، دانشجویان عصبانی در ۹۵ مورد اقدام به آتش‌زدن و بمب‌گذاری در محوطه دانشگاه‌ها کردند. گارد ملی برای سرکوب اعتراضات دانشجویی به ۱۶ ایالت اعزام و یکی از این ایالت‌ها اوهایو بود. در اوهایو درگیری‌ها با دانشجویان به خشونت کشیده شد و در این خشونت‌های نبروهای گارد، چهار دانشجوی غیرمسلح را کشتند و ۹ نفر دیگر را در جریان اعتراضات زخمی کردند. تظاهرات بزرگ ضدجنگ به بیش از هزار و ۳۰۰ دانشگاه سرایت کرد و حدود ۴ میلیون معترض که بیش از نیمی از دانشجویان آمریکایی را شامل می‌شدند در دانشگاه‌ها دست به اعتراض زدند. علاوه بر این در ۳۵۰ دانشگاه، کلاس‌ها تحریم شد و حدود ۵۰۰ کالج و دانشگاه نیز تعطیل شدند.

در مقابل، اعتراضات اخیر دانشجویی در آمریکا براساس آخرین

رابرت کوهن

استاد تاریخ و مطالعات اجتماعی دانشگاه نیویورک



منتقدان اعتراضات اخیر دانشجویی اغلب این اعتراضات را با تظاهرات گسترده علیه جنگ ویتنام که بیش از نیم قرن پیش دانشگاه‌های ایالات متحده را در نوردید، مقایسه می‌کنند اما اشتباه می‌کنند. از نظر گستردگی اعتراضات و میزان اختلالی که ایجاد کرده، این دو اعتراضات با هم قابل مقایسه نیست. امروز جنبش دانشجویی علیه جنگ غزه نسبت به تظاهرات ضدجنگ دانشگاه‌ها در دهه ۱۹۶۰ بسیار کوچکتر و بسیار کمتر مخرب است. پس چرا چنین واکنش تهاجمی به این اعتراضات مشاهده می‌شود؟ رؤسای دانشگاه‌ها که شاهد تظاهرات گسترده و آتشین دانشجویی

نگاه نظریه پرداز

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

NEWLINES
INSTITUTE

روایت یک اعتصاب غذا
در دانشگاه ییل

استادناشناس دانشگاه: در ۱۲ آوریل امسال، آخرین روزی که پیتر سالوی، رئیس دانشگاه ییل و هیئت امنای قرار بوده به درخواست‌های مابرای سرمایه‌گذاری نکردن بر تولید تسلیحات عمل کنند، عمه‌من در بیمارستان درگذشت. هیچ پاسخی از دانشگاه نرسید و روز بعد اعتصاب غذای خود را آغاز کردیم. در مواجهه با این موج جدید غم و اندوه، نمی‌دانستیم که قرار است در چند روز آینده چه وضعیتی از نظر جسمی و روحی داشته باشیم. تا به حال اعتصاب غذا نکرده بودم. امتناع از غذا خوردن و صبح کردن برگه‌های امتحانی دانشگاه و حمایت عاطفی از خانواده‌ام از راه دور، غیرممکن به نظر می‌رسید. با این حال، در کمال تعجب، توانایی ذهنی و استواری من با گذشت روزها بیشتر شد. آیا کارم تمام شد؟ نه. اما تعهد به دیدن یک فلسطین آزاد بیشتر از هر زمان دیگری شده است. در ۱۳ آوریل غذا خوردن را متوقف کردم و در ۲۰ آوریل اعتصاب را شکستم. در طول هفته، ۷ کیلو وزن از دست دادم. در آخرین روزهای اعتصاب، دیگر نمی‌توانستم نفس بکشم؛ به‌خصوص وقتی که سعی می‌کردم بخوابم، نمی‌توانستم نفس عمیق بکشم. وحشتناک بود. هر شب فقط ۵ یا ۶ ساعت می‌توانستم بخوابم. بیدار که بودم هم احساس خستگی می‌کردم. صبح‌های خیلی غمگین از خواب بیدار می‌شدم. خستگی، عصبانیت از انفعال دانشگاه، ناگامی دانشگاه در به رسمیت شناختن حقوق فلسطینی‌ها، سرمایه‌گذاری مستمر دانشگاه در ساخت سلاح، اندوه تماشای مرگ یک فلسطینی دیگر در پخش زنده در بیش از ۲۰۰ روز گذشته، همه و همه در جان و جسم‌ام رسوخ کرده‌اند. احساس می‌کردم بدنم پر از سرب شده است. هر روز صبح، رشد باد زیر چشمم را بررسی می‌کردم و ظاهر فراینده‌خستگی در صورت‌م را می‌ترساندم. نمی‌توانستم بفلسطینی‌هایی که در معرض گرسنگی دسته‌جمعی توسط اسرائیل هستند و به چهره‌های فرسوده‌شان، فکر نکنم. من فقط گوشه‌های از این درد و رنج را در رسانه‌های اجتماعی می‌بینم. من می‌دانم که جنبش فلسطین آزاد، جنبشی مردمی است، زیرا دانشجویان دانشگاه ییل و اعضای جامعه از ما دفاع می‌کنند. ما هیچ کمک مالی نخواستیم. مردم ماسک، آب، تست کووید، پتو، دفترچه یادداشت، دستکش، چتر و گل اهدا کردند. روز دوم، زنی کتی را که تنش بود اهدا کرد. مردم تمام هفته به سالوی نامه نوشتند. خانواده‌ها تقریباً هر روز به ما سر می‌زدند و از ما حمایت می‌کردند. من به دانشجویانم نگفتم که اعتصاب غذا کرده‌ام. افتخاری است که از دانشجویان ییل یاد بگیرم. مهر محبت در طول دوران اعتصاب ما سوار زیبا بود. همه این کمک‌های متقابل به دلیل عشق عمیق به آزادی فلسطین و حق فلسطینی‌ها برای زندگی و پیشرفت در صلح اتفاق افتاد. من به اعتصاب غذا پیوستم زیرا احساس می‌کردم نسبت به آنچه برای فلسطینیان رخ می‌دهد، بی تفاوت شده‌ام. مدیریت دانشگاه تمام راه‌های ممکن را که دانشجویان تا آن زمان برای رساندن حرف‌شان بدون توسل به خشونت آزموده بودند، نادیده گرفت و من توانایی تصور هر راه دیگری را از دست داده بودم تا دانشگاه مجبور شود به حرف‌های ما گوش کند. وقتی به دانشگاه نگاه می‌کردم به یاد نابودی تکتک دانشگاه‌های غزه می‌افتم. چه تعداد از اساتید، معلمان و دانشجویان به قتل رسیده‌اند و ما حتی نام آنها را نمی‌دانیم زیرا زیر آوار مدفون هستند؟ نمی‌توانستم به روش معمول (رفتن به کلاس، خواندن، درس دادن به دانشجویانم) و بدون احساس غم و اندوه بی‌حد در دانشگاه حضور یابم. به‌همتایان فلسطینی خود در دانشگاه ییل فکر می‌کنم که برای ما‌ها شاهد بوده‌اند که دانشگاه از ذکر کلمه «فلسطینی» در هیچ ایمیلی درباره این «زمان‌های چالش‌برانگیز» استفاده نکرده است. نمی‌دانم چگونه مقاله دیگری بنویسم یا کتاب دیگری بخوانم بدون اینکه فلسطین را در ذهنم ببینم و ضربان قلب ثابت مردم فلسطین را در روحم احساس کنم. دانشگاه ییل این فرصت را دارد تا اولین دانشگاهی باشد که موضعی فعال اتخاذ کرده و از سرمایه‌گذاری بر تولید تسلیحات صرف‌نظر کند. هیچ دانشگاهی به‌ویژه دانشگاه غیرانتفاعی مانند ییل نباید در تولید سلاح سرمایه‌گذاری کند. نمی‌دانم آیا کسی در دانشگاه ییل به‌کاری که ماتحت عنوان اعتصاب غذا انجام می‌داد اهمیت می‌داد یا خیر. اما می‌دانم که آنها ما را دیدند و شاید همین مهم باشد.